

تاریخ و تمدن مغرب

جلد دوم

دکتر حسین مونس

ترجمہ
حمید رضا شیخی

تہران

۱۳۸۴

۲۲ الهیات (تاریخ و تمدن ملل اسلامی)

Munis, Husayn

مونس، حسین، ۱۹۱۱ - م

تاریخ و تمدن مغرب / حسین مونس؛ ترجمه حمیدرضا شیخی. — تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)؛ مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۴.

ج ۳. — (سمت ۴: ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳: الهیات (تاریخ و تمدن ملل اسلامی)؛ ۲۱، ۲۲، ۲۳)

ISBN 964-530-038-X

بها: ۳۲۰۰۰ ریال: (ج ۳).

ISBN 964-530-037-1

بها: ۳۶۵۰۰ ریال: (ج ۲).

ISBN 964-530-036-3

بها: ۲۸۰۰۰ ریال: (ج ۱).

فهرستویسی براساس اطلاعات فیما.

عنوان اصلی: تاریخ المغرب و حضارته...

پشت جلد به انگلیسی: Hossein Moones. The History of Maghreb and Its

Civilization.

کتابنامه.

نمایه.

۱. مراکش — تاریخ. الف. شیخی، حمیدرضا، ۱۳۳۷ -، مترجم. ب. سازمان مطالعه

و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). ج. بنیاد پژوهشهای اسلامی. د. عنوان.

۹۶۱

DT ۱۹۴/م ۸

۱۳۸۴

م ۸۴.۳۷۸۹۶

کتابخانه ملی ایران



تاریخ و تمدن مغرب (جلد دوم)

دکتر حسین مونس

ترجمه حمیدرضا شیخی

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی

دانشگاهها (سمت)، شماره انتشار ۹۹۲، الهیات (تاریخ و تمدن ملل اسلامی) شماره ۲۲.

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۴

تعداد: ۱۰۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: سمت

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

قیمت ۳۶۵۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندهگان و عوامل

توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و جز اینها برای ناشران محفوظ است (نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است).

مشهد، فلکه حرم مطهر، دوربرگردان شیخ طبرسی، ص. پ ۹۱۷۳۵.۳۶۶، تلفن

۰۱۱۰۲۳۲۵۰۱، نمابر ۰۲۲۳۰۰۰۵. info@islamic-rf.org www.islamic-rf.org

مراکز پخش: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)، روبه روی پمپ گاز،

کدپستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۰۲۱۰۴۴۲۴۶۲۵۰. info@samta.ac.ir www.samta.ac.ir

پیشگفتار ناشران

بی تردید یکی از بنیادی‌ترین اهداف کانونها و مراکز تحقیقاتی، تقویت توان علمی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی است که استعدادهای برگزیده را در خود گرد آورده‌اند. پرداختن بنیادهای علمی به این قشر تخصصی جامعه و تولید فراورده‌های پژوهشی برای استفاده دانشجویان، سازماندترین تلاش این مؤسسات است. دانشگاهها نیز برای جبران کمبودهای علمی در مراکز گوناگون، همواره باید نویافته‌های خود را در اختیار این کانونها قرار دهند، تا با فراهم آمدن زمینه‌های این پیوند پایای دو سویه، دهش و ستانشی برابر در پی آید و از این رهگذر، جنبه‌های نظری و دستاوردهای کاربردی علوم نمایان شود.

یکی از مصادیق برکت خیز این داد و ستد پژوهشگرانه در حوزه علوم انسانی، همکاری بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) است که اینک یازدهمین کار مشترک خود را با نشر کتاب تاریخ و تمدن مغرب جلد (۲) به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند. این کتاب برای دانشجویان رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تدوین شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر پژوهشگران و علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

فهرست مطالب

عصر چهارم: عصر طوفانها

صفحه	عنوان
۲	تمهید
۵	فاطمیان در افریقه و مغرب گاهشمار (۵)
۶	دولت فاطمی در مغرب قبیله کتامه (۸)، حرکت شیعی (۹)، ابو عبدالله داعی (۱۸)، ورود ابو عبدالله داعی به مغرب (۱۹)، مهاجرت به تازروت و تشکیل حکومت (۲۱)، حمله به سرزمین اغلییان (۲۴)، عبیدالله مهدی (۲۵)، روی کار آمدن دولت فاطمی در افریقه (۳۰)، خلافت عبیدالله مهدی ۲۹۷-۳۲۲ هـ / ۹۱۰-۹۳۴ م (۳۱)، سازماندهی دولت (۳۲)، سیاست عبیدالله (۳۳)، ساخت شهر مهدیه و ارتباط این کار با سیاست عبیدالله مهدی در قبال کتامیان (۳۷)، بحرانی شدن موقعیت دولت و راهکارهای عبیدالله برای تقویت موقعیت آن (۴۲)، موضع توده‌های مردم افریقه در برابر کوششهای فاطمیان برای نشر مذهب شیعه،... (۴۸)، قیام ابویزید مخلدبن کیداد یفرنی (۵۲)، سیاست مالی فاطمیان (۵۸)، المعزّ لدین الله و پایان دولت فاطمی در مغرب (۷۷)، نشانه‌روی تمام نیروها به سمت مصر و انتقال دولت به این سرزمین (۸۰)، انتقال دولت فاطمی به مصر (۸۱)
۸۶	منابع
۸۹	صقلیه اسلامی از فتح تا سقوط آن به دست نورمانها
۸۹	گاهشمار حکمرانان اغلی
۹۳	صقلیه در عصر فاطمی

- تمدن اسلامی صقلیه (۹۳)، سازمان اداری صقلیه اسلامی (۹۴)، فاطمیان و صقلیه (۹۵)، کلبیان (۱۰۰)، فاطمیان و حاکمیت بر دریای مدیترانه و جهاد با رومیان و فرنگها در دریا (۱۰۷)،
- ۱۱۴ آفریقه و مغرب از انتقال فاطمیان به مصر تا تشکیل دولت مرابطان
- ۱۱۴ دولتین صنهاجی در آفریقه و مغرب میانه
- ۱۲۰ دولت زیربان صنهاجی در آفریقه و مغرب میانه
- ۱۲۰ گاهشمار
- ۱۲۱ تمهید
- روی کار آمدن دولت زیربان در آفریقه (۱۲۳)، کشمکش با زناتیان و مروانیان (۱۲۹)، جدایی دولتین بنی زیری از فاطمیان (۱۳۶)
- ۱۴۷ حمله هلالیان
- عربهای بنی هلال بن عامر بن صعصعه و بنی سلیم بن منصور و دیگران از ... (۱۴۷)، هلالیان و بنی سلیم در مغرب پیش از انتقال گروههای بزرگ آنان به این سرزمین (۱۴۹)، قیام ابو رکوه اموی در برقه (۱۵۰)، تبعید بنی هلال بن عامر بن صعصعه و بنی سلیم بن منصور و عربهایی که ... (۱۵۳)، ورود بنی هلال و بنی سلیم به مغرب (۱۵۶)، هلالیان در برقه و طرابلس و انتقالشان به آفریقه و مغلوب ساختن المعز (۱۵۸)، بقیه تاریخ بنی زیری بن مناد و صنهاجیان (۱۶۲)، کشمکش میان زیربان و نورمانها (۱۶۳)، استیلای نورمانها بر مهدیه و سواحل آفریقه و طرابلس و پایان دولت زیربان (۱۶۶)
- ۱۷۱ دولت حمادیان اصحاب قلعه
- ۱۷۱ گاهشمار
- ۱۷۲ تمهید
- ۱۷۴ ارزیابی دولتین بنی زیری
- استقرار عربهای هلالی در مغرب (۱۷۷)، درهم شکسته شدن عربها و فروپاشی ریاح: نبرد سطیف در سال ۵۵۹/۱۱۶۴ (۱۷۸)، پیامدهای حمله هلالی (۱۸۳)
- ۱۹۱ دولتهای کوچک بربری و عربی
- بنی خراسان صنهاجی در تونس (۱۹۱)، بنی زند در قفصه (۱۹۳)، حاکمیت زناته بر مغرب دور و غرب مغرب میانه (۱۹۴)، بنی یفرن زناتی در منطقه تادلا (۱۹۷)

- تحولات فرهنگی و اجتماعی مغرب در خلال قرن چهارم و پنجم هجری ۲۰۰
- تحولات بزرگ اجتماعی (۲۰۰)، بنی زیری در دوره حکومتشان (۲۰۵)، صنهاجیان و رعایای آنها: رونق و رفاه اقتصادی کشور (۲۱۱)، شهرسازی مغرب میانه (۲۱۳)، قلعه بنی حماد (۲۱۶)، رابطه افریقیه و دولت بنی زیری با فاطمیان و مذهب شیعه (۲۲۰)
- دولتهای مرابطان و موحدان و حفصیان ۲۲۹
- عصر دولتهای بزرگ ۲۲۹
- مرابطان ۲۳۱
- گاهشمار ۲۳۱
- مرابطان ۲۳۲
- امید صنهاجیان به رهایی از سلطه زاتانیا: جداله (۲۳۵)، عبدالله بن یاسین (۲۳۸)، نسب نامه خاندان تاشفین (۲۴۲)، ابوبکر بن عمر (۲۴۳)، انشعاب مرابطان به دو گروه (۲۴۴)، زینب نفزاویه دختر اسحاق (۲۴۵)، رفتن مرابطان به اندلس برای نجات اسلام از خطرهای تهدیدکننده (۲۵۳)، ارزیابی کارهای مرابطان در اندلس (۲۶۲)، ارزیابی مرابطان و نقش آنان در تاریخ غرب اسلامی (۲۶۸)، یوسف بن تاشفین و جایگاه تاریخی او (۲۶۹)، علی بن یوسف بن تاشفین و دنبال کردن جهاد در اندلس (۲۷۱)، قهرمانیهای مرابطان در جهاد (۲۷۵)، مرابطان و شرق اندلس (۲۷۸)
- حکومت موحدان ۲۸۶
- گاهشمار ۲۸۶
- حکومت موحدان ۲۸۷
- محمد بن تومرت در آغاز (۲۸۹)، ابن تومرت و ایجاد گروه موحدان در تینمل (۲۹۱)، انگیزه‌های ابن تومرت در این حملات تند به مرابطان (۲۹۹)، کشتار جداسازی (۳۰۶)، شکست بحیره و درگذشت ابن تومرت (۳۰۹)، ارزیابی مرابطان (۳۱۶)، حکومت عبدالؤمن بن علی (۳۲۱)، ورود تازیان هلالی به مغرب دور (۳۲۴)، جانشینان عبدالؤمن بن علی (۳۲۹)، حمله به شترین (۳۳۰)، ابویوسف یعقوب منصور (۳۳۲)، قیام بنی غایتیه مسوفی (۳۳۳)، جهاد منصور در اندلس (۳۳۵)، نبود ال آرک (۳۳۶)، حکومت موحدان در اوج خود (۳۴۲)، تولد حکومت حفصیان، پایان حکومت

بنی غانیه - طوارق (۳۵۶)، نبرد العقاب و فروپاشی جبهه اسلامی در اندلس (۳۵۹)،
بنی غانیه و قیام آنان علیه موحدان (۳۶۲)، بروز اختلاف در میان موحدان پس از مرگ
محمدناصر (۳۶۵)، گروه طلبه‌ها و تحول مذهبی (۳۶۶)، آشفتگی اوضاع دولت
موحدی (۳۷۶)، ظهور محمد بن یوسف بن هود جذامی در شرق اندلس (۳۸۵)،
ظهور محمد بن نصر بن احمر و سقوط قرطبه (۳۸۷)، تشکیل پادشاهی گرانادا (۳۹۴)،
سقوط حکومت موحدی (۳۹۷)، فرهنگ و تمدن مغرب در عصر مرابطان و موحدان
(۴۰۱)، تمدن موحدان (۴۰۵)، شورای شیوخ موحدان (۴۱۲)، حکومت و اوضاع
عمومی کشور (۴۲۹)، خاتمه (۴۳۵)

۴۳۹ حکومت حفصیان
درآمد (۴۳۹)

۴۴۱ حفصیان
گاهشمار (۴۴۳)

۴۴۶ حکومت حفصیان در افریقیه و برخی نواحی مغرب میانه
پیدایش دولت حفصی (۴۴۹)، مستنصر حفصی ملقب به امیر المؤمنین می‌شود (۴۶۰)،
ابوزکریا واثق و ابواسحاق و فروپاشی حکومت (۴۷۰)، فعالیت جهاد در دریا (۴۹۰)،
درگیری مسلمانان و مسیحیان در دریا‌های مغرب (۵۰۰)، استقلال گرایی سران
نواحی (۵۰۹)، شیخ‌نشین قفصه و زاب (۵۱۰)، حمله سلطان ابوالحسن مرینی
به اراضی دولت حفصی (۵۱۱)، بنی یملول در توزر، بنی خلف در نقطه، و بنی
ابوالمنیع در حامه (۵۱۳)، بنی جامع هلالی (۵۱۸)، فروپاشی حفصیان (۵۱۹)،
چکیده مطالب (۵۳۵)

۵۳۹ منابع
۵۴۶ نمایه

تمهید

نخستین دولتهای مغرب در پایان سده سوم هجری / آغاز سده دهم میلادی به دست فاطمیان به پایان آمدند. دولت فاطمی، در حقیقت، تندباد مهیبی بود که در سرتاسر خاک مغرب وزیدن گرفت و به عمر دولتهای موجود در افریقیه و مغرب خاتمه داد و با افکندن آشوب در میان قبایل آنها را به جان یکدیگر انداخت. چه فاطمیان، نخست، قبیله کتامه را که بار اصلی روی کار آمدن دولت آنها را به دوش کشیدند، تضعیف کردند؛ سپس صنهاجه را ضد کتامه به کار گرفتند و صنهاجیان را بر گروه مغرب میانه و مغرب دور مسلط کردند. دولت فاطمی تیره‌های این قبیله را به میدان کشمکش سخت و بی حاصل با ادرسیان و امویان اندلس، بر سر حاکمیت مغرب دور، درافکند. آن‌گاه زناته را علیه صنهاجه برانگیختند، و در نهایت باز به کتامه و صنهاجه روی آوردند. با تکیه به همین کتامه بود که فاطمیان، وقتی نشانه‌های امکان تصرف مصر برایشان آشکار گردید، این کشور را تسخیر کردند و با تکیه به صنهاجه بود که حاکمیت فاطمیان بر افریقیه و مغرب میانه زمانی دراز ادامه یافت.

افریقیه و مغرب از تندبادهای عصر فاطمی آسوده گشت و فاطمیان به مصر بازگشتند و در آن جا سرگرم کشمکش با عباسیان و قرامطه و تلاش برای سیطره یافتن بر شام و حجاز و یمن شدند، اما طوفانها در مغرب فرو نشست: سیاست مغربی فاطمیان همچنان در افریقیه و مغرب و صقلیه ناآرامی و آشوب برمی‌انگیخت؛ چرا که معزّ زمانی بُلکّین بن زیری بن مناد صنهاجی را به عنوان نماینده خود در افریقیه گماشت که سینه رقیبش جعفر بن علی بن حمدون معروف به ابن‌الاندلسی را نسبت به او پراز خشم و کین کرده بود. وانگهی سفارشی که به بُلکّین کرد بذرهای فتنه و آشوب و دردسر در خود داشت. چه معزّ به او توصیه کرده بود که:

«اگر توصیه‌هایی را که به تو کردیم فراموش کردی سه چیز را هرگز فراموش مکن: زنهار، مالیات را از اهل بادیه برمگیر، شمشیر را از سر بربرها بردار، و هیچ یک از

برادران و عموزادگانت را به مناصب حکومتی مگمار؛ چرا که اینان خود را به این امر احقّ از تو می‌دانند، و با مردم پایتخت خوب باش».^۱ مراد از اهل بادیه کشاورزان و زراعتکاران است که بیشترشان صنهاجی بودند، مراد از بربرها زناته است که مهمترین قبایلشان در آن عصر در مغرب میانه و دور عبارت بود از مغراوه و بنی یفرن و مکناسه. غالب اینها از دوستان اران امویان اندلس بودند. بلکین بن زیری - که اینک نامش ابوالفتح یوسف بن زیری بن مناد صنهاجی شده بود - نتوانست با دار و دسته صنهاجی خود بر اینان حاکمیت یابد؛ زیرا به لحاظ تعداد و قدرت کمتر از این قبایل بودند. این بدان معناست که معزّ با این توصیه خود نماینده‌اش را در معرض طوفانهایی انداخت که تا از بین رفتن دولت او فرو نمی‌نشستند.

علاوه بر این، معزّ در آغاز، صقلیه و نیز طرابلس را که جزئی از افریقه بود، برای خود نگه داشت و با این کار پاره‌ای از پیکر ولایت افریقه کم کرد و صقلیه را نیز در شرایطی قرار داد که منجر به جدا شدن آن از دارالاسلام شد. چه، سیاست درست حکم می‌کرد که صقلیه تابع افریقه باقی بماند؛ چون اولاً به دلیل نزدیک بودنش به افریقه حاکم افریقه می‌توانست براحتی نیروی کمکی به آن جا روانه کند. ثانیاً منبع درآمد خوبی برای فرمانروایان افریقه بود. افزون بر اینها، حاکم افریقه تنها زمانی می‌توانست حاکمیت خود را بر وسط دریای مدیترانه تحقق بخشد که دو سوی گذرگاهی را که شرق دریای مدیترانه را به غرب آن وصل می‌کند، یا نیروی دریای صقلیه را، به منظور تقویت نیروی دریایی افریقه، در کنترل خود داشته باشد. چه، اگر هر یک از این دو فرماندهی جداگانه‌ای می‌داشت این قدرت از بین می‌رفت و دشمن براحتی می‌توانست بر آن دو چیره گردد. درست است که حسین بن احمد کلبی فرمانده چیره‌دست و حاکم توانایی بود اما او به ارتباط دائم با یک همسایه مسلمان نیرومند نیاز داشت. وانگهی، خاندان او دیگر سرداری به با کفایتی او به دنیا نیاورد. گویا معزّ با این اناثیت و خودخواهی‌اش صقلیه را به وضعی انداخت که با وجود آن هرگز نمی‌توانست مدتی طولانی در ثبات و آرامش به سر برد. از این رو همین که طوفان تجاوز نورمانها بر صقلیه وزیدن گرفت، دژها

و استحکامات آن به دست نورمانها سقوط کرد و تبدیل طرابلس به یک پایگاه بزرگ دریایی و مرکز ارتباط با صقلیه از سوی فاطمیان هم کمترین سودی به حال این جزیره نبخشید.

با این حال، کاش فاطمیان خاندان زیری بن مناد را در خانه و کاشانه‌شان به حال خود می‌گذاشتند اما این کار را نکردند بلکه با آن که می‌دانستند دستشان خالی است در مطالبه پول از آنها اصرار می‌ورزیدند. همین که با آنها بنای مخالفت گذاشتند طوفان هلالیان را علیه آل زیری به پا کردند؛ طوفانی که دولت بنی زیری و عموزادگان بنی حماد آنها را با خود برد. این طوفان آنچه را که از طوفان فاطمی باقی مانده بود نابود کرد و زان پس، سراسر مغرب وارد مرحله جدیدی از ناآرامی و آشفتگی و ناامنی شد.

در اواخر ایام بنی زیری و پس از آن که بلیه حمله هلالی بر سر آنها و کشورشان نازل شد، نورمانها از فرصت استفاده کرده به سواحل مغرب تاختند.

در این اثنا، مغرب دور دستخوش طغیان قبایل زناتی، مخصوصاً مغراوه و بنی یفرن، گردید و کشور با خطرهای فراگیری دست به گریبان شد و تنها عاملی که توانست آن را از این خطرها برهاند ورود مرابطان به مغرب دور در نیمه قرن پنجم هجری / سده یازده میلادی بود. طوفانها بتدریج آرام گرفت و سرتاسر مغرب، به لطف وجود مرابطان و سپس موحدان، به عصر جدیدی از اعصار تاریخ خود، یعنی عصر دولتهای بزرگ گام نهاد.

به همین دلیل ما از اواخر قرن سوم هجری / اوایل دهم میلادی تا نیمه دوم قرن پنجم هجری / یازدهم میلادی را عصر طوفانها نامیدیم. با اینکه این نامگذاری غیر علمی و غیر تاریخی است مناسب‌ترین تعبیر برای نشان دادن وضعیتی است که افریقه و مغرب در این دوره - که بزودی از آن سخن خواهیم گفت - داشتند.